

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال یازدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴ (ص ۲۳۱-۲۴۹)

تبیین اهمیت دلبستگی ایمن در کودکان با تأکید بر نقش ارتباط والد - فرزندی مبتنی بر عواطف در آن

Explaining the Status of Secure Attachment in Children, with an Emphasis on the Role of Parent-Child Relationship Based on Emotions in it

که علی احمد پناهی / دانشیار گروه روان شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
علی زهیری هاشم آبادی / دانشجوی دکتری روان شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

✉ Ali Ahmad Panahi / Associate Professor in Department of Psychology, Research Center of Seminary and University Apanahi@rihu.ac.ir
Ali Zahiri Hashemabadi / PhD Student of Psychology, Research Center of Seminary and University hashemabadi.a@gmail.com

Abstract

One of the most important and crucial periods in the life span of a human being is childhood. Providing the biological and emotional needs of the child and realizing a secure attachment in them are among the necessities of this period. The aim of the present research is to explain the process of forming secure attachment in children and the role of parent-child relationship based on positive emotions in the normal formation of this process. The basic question is as follows: "What factors play a fundamental role in the formation of secure attachment in children and what is the process of forming secure attachment like?" In the present research, a descriptive-analytical and reasoning method has been used, and an attempt has been made to explain the process of forming secure attachment in children and the role of important elements in it.

By studying Islamic teachings, psychology, and empirical studies, it can be claimed that firstly, the formation of secure attachment in children is one of the

چکیده

یکی از دوره های مهم و سرنوشت ساز در گستره حیات انسان، دوره کودکی است. تأمین نیاز زیستی و عاطفی کودک و تحقق بخشی به دلبستگی ایمن در آنان، یکی از ضرورت ها و نیازهای این دوره است. هدف پژوهش پیش رو تبیین فرایند شکل گیری دلبستگی ایمن در کودکان و نقش ارتباط والد - فرزندی مبتنی بر عواطف مثبت، در شکل گیری بهنجار این فرایند است. پرسش اساسی این است چه عواملی در شکل گیری دلبستگی ایمن در کودکان نقش اساسی دارد و فرایند شکل گیری دلبستگی ایمن چگونه است؟ در پژوهش پیش رو از روش توصیفی - تحلیلی و اجتهادی بهره گرفته شده و تلاش شده به تبیین فرایند شکل گیری دلبستگی ایمن در کودکان و نقش عناصر مهم در آن پرداخته شود. با تتبع در آموزه های اسلامی، روان شناختی و مطالعات تجربی، می توان ادعا کرد که اولاً شکل گیری دلبستگی ایمن در کودکان از ضرورت های تحول بهنجار است و ثانیاً ارتباط والد

necessities of normal development, and secondly, a normal parent-child relationship based on positive emotions and meeting the biological and psychological needs of children in an appropriate manner and at the right time is one of the most important elements in the formation of secure attachment in children. Realization of secure attachment in children is among the most important immunizing factors in children.

Key words: Child, Secure Attachment, Normal Development, Immunity, Parent-Child Relationship.

– فرزندی بهنجار و مبتنی بر عواطف مثبت و تأمین‌کننده نیازهای زیستی و روان‌شناختی کودکان به نحو شایسته و در زمان مناسب، از مهم‌ترین عناصر در شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکان است. تحقق دلبستگی ایمن در کودکان از مهم‌ترین عوامل مصونیت‌بخش در کودک است.

کلیدواژه‌ها: کودک، دلبستگی ایمن، تحول بهنجار، مصونیت، ارتباط والد – فرزندی.

مقدمه

خانواده، کوچک‌ترین، فراگیرترین و مهم‌ترین واحد اجتماعی است که متشکل از افرادی با نقش‌ها، ویژگی‌ها، نیازها و انتظارات متفاوت است و با الگوهای ارتباطی مختلف، با یکدیگر تعامل می‌کنند. بر اساس نظریه سیستمی به خانواده^۱، خانواده به صورت یک کل که از بخش‌های مرتبط به هم تشکیل شده نگریسته می‌شود (آسوده^۲ و همکاران، ۲۰۱۱؛ پناهی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۶). در نگاه سیستمی، خانواده مجموعه‌ای از عناصر به‌شمار می‌روند که هرکدام از این عناصر دارای نقش‌های تعیین‌شده و درعین حال پویا می‌باشد که در راستای دستیابی به هدف مشخص در کنش و واکنش درون سیستمی و برون سیستمی هستند. والدین به عنوان یکی از ارکان اساسی در شکل‌گیری، تحول و استمرار خانواده، نقش اساسی و سازنده‌ایی در همهٔ ساحت‌های مرتبط با خانواده دارند. بر اساس نگاه سیستمی به خانواده، کارکرد خانواده بر چند محور مهم تمرکز دارد که عبارت است از: انسجام^۳، انعطاف‌پذیری^۴، فرزندپروری، تعامل سازنده با اعضای خانواده، حل مشکل^۵ اعضای خانواده، تحکیم ارتباط^۶، همراهی عاطفی (هیجانی)^۷، ارتباط جنسی – عاطفی^۸، مدیریت رفتارها^۹ و بهبود عملکرد

1. Family system theory
2. Asoodeh, M. H.
3. cohesion
4. flexibility
5. Problem Solving
6. Relationship
7. Emotional Support
8. Emotional Involvement
9. Behaviors Management

کلی^۱ خانواده. والدگری (فرزندآوری و فرزندپروری) مهم‌ترین نقش و وظیفه والدین در نظام خانواده است. روابط والد - فرزندی و ایفای نقش والدگرانه، نشان‌دهنده ابتدایی‌ترین و اصلی‌ترین روابط اجتماعی انسان در گستره زندگی است. کمیت و کیفیت روابط والد - فرزندی، عنصر اصلی و تأثیرگذار در تحول بهنجار و در شکوفایی ظرفیت‌های بالقوه کودک است. فرایند ارتباط والد - فرزندی، یک دامنه (گستره) وسیع دارد که از دوره پیشینی (قبل از انعقاد نطفه) آغاز می‌شود و در دوره پسینی (بعد از تولد) و تا میانسالی و کهنسالی استمرار پیدا می‌کند. فرایند دلبستگی ایمن^۲ که از مهم‌ترین فرایندهای روان‌شناختی در افراد است در دوره کودکی نخست محقق می‌شود و معمولاً فرایند دلبستگی از شش ماهگی آغاز می‌شود و تا اواسط دوره کودکی نخست ادامه دارد. فرایند شکل‌گیری دلبستگی ایمن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و می‌تواند فرایند تحولی کودک را در دوره‌های بعدی به‌گونه‌ای اساسی تحت تأثیر قرار دهد. پاسخ مثبت و به موقع، به نیازهای زیستی، عاطفی و هیجانی کودکان در دو سال نخست زندگی، می‌تواند نقش اساسی در شکل‌گیری دلبستگی ایمن و تحول بهنجار کودک داشته باشد (سانتراک، ۲۰۲۲، ص ۱۲۰). تجربیات عاطفی مثبت و اولیه کودک، نقش مهمی در شکل‌گیری عواطف و هیجان کودک دارد (گلداسمیت،^۳ ۲۰۱۹؛ کای ورک،^۴ ۲۰۲۰)؛ همان‌گونه که تجربیات عاطفی منفی نیز، باعث اختلال در برخی از ساحت‌های تحول بهنجار می‌شود. ایجاد تحول در عواطف و احساسات کودکان و تنظیم آنها، با فرایند رشد زیستی و شخصیتی و با تجربیات کودک، ارتباط معناداری دارد (سانتراک، ۲۰۲۲، ص ۱۱۸-۱۱۹) و فرایندهای شناختی و تجربیات اولیه کودک، از عناصر مهم و اساسی در شکل‌گیری عواطف و دلبستگی ایمن در کودک هستند (گلداسمیت،^۵ ۲۰۱۹؛ کای ورک،^۶ ۲۰۲۰). والدین و به‌ویژه مادران، به دلیل ظرفیت‌های ویژه عاطفی و هیجانی (پناهی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۱) و به دلیل ارتباط گسترده و عمیقی که با کودک دارند، سهم بیشتری در تأمین نیازهای عاطفی و زیستی فرزندان دارند و نقش آنان در شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکان مضاعف است. تأمین نیازهای عاطفی کودکان از عناصر فنوتیپی است که می‌تواند در کنار باخودآوردهای زیستی (ژنوتیپی)، در تحقق‌بخشی به تحول بهنجار کودکان، نقش مهم ایفا کند (سانتراک، ۲۰۲۲، ص ۴۴-۴۵). از چشم‌انداز دانش روان‌شناسی،

1. Overall Function
2. Secure attachment
3. Goldsmith
4. Kaywork
5. Goldsmith
6. Kaywork
7. Santrock

مهم‌ترین عنصر در تحول روانی و شخصیتی کودکان (به‌ویژه در سال‌های نخست کودکی)، کیفیت و کمیت تعامل عاطفی - روانی والدین و جانشین والدین با کودک است (میتسون^۱ و دیگران، ۲۰۲۱). احساسات، نقش مهمی در احساس آرامش و رفاه کودکان دارد. احساسات بر پاسخ‌های اجتماعی نوزادان تأثیرگذار است و رفتارهای انطباقی کودکان بر اساس چگونگی احساسات و عواطف دیگران با آنان شکل می‌گیرد (تامپسون و واترز^۲، ۲۰۲۰). در آموزه‌های اسلامی نیز، به‌گونه‌ای مختلف (تلویحی، تصریحی، کنایه‌ای و...) تلاش شده به اهمیت و نقش ابراز عواطف در روابط والد - فرزندی اشاره شود و والدین را به روش‌های مختلف به ایفای این نقش مهم تشویق نماید. به‌عنوان نمونه، در آموزه‌های اسلامی، حتی ارتباط بصری مبتنی بر عواطف با فرزند، عبادت تلقی شده و برای آن پاداش عظیم لحاظ شده است^۳ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۷۰)، و از کسانی که نسبت به فرزند بی‌توجهی و کم محبتی دارند سرزنش می‌شود. حضرت محمد ﷺ برای بوسیدن فرزند، پاداش عظیمی را بیان فرموده است^۴ (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۰). امام صادق ﷺ محبت‌کننده به فرزند خویش را مشمول رحمت و پاداش ویژه پروردگار متعال می‌داند^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰). در آموزه‌های اسلامی، تکریم و محبت به فرزندان را از عوامل آموزش و بخشش تلقی نموده اند^۶ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۶). امام سجاد ﷺ محبت و دلسوزی به فرزندان را از وظایف مهم پدر و مادر می‌دانند و بر آن تأکید می‌کنند^۷ (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۵). تأمل در این احادیث نشان می‌دهد که ارتباط والد - فرزندی مبتنی بر عواطف مثبت، دارای اهمیت و فواید مختلف است و لذا در منابع اسلامی به آن تأکید و سفارش شده است. مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهد که نقش عواطف در تحول بهنجار افراد معنی‌دار است و حتی عواطف می‌تواند ساحت‌های شناختی و معرفتی را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد (رایبیز و جاج^۸، ۲۰۱۵، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲). مطالعات نشان می‌دهد که پاسخگویی عاطفی و به‌هنگام و هم‌تراز با سطح نیازهای کودک و پاسخگویی حفاظتی و پشتیبانی عاطفی والدین، برای کودک بسیار حیاتی است. این پاسخگویی و ایجاد امنیت روانی برای کودک، نقش زیادی در احساس لیاقت، دوست‌داشتنی بودن، اعتمادبه‌نفس، امنیت روانی، مهارت‌های زندگی

1. Mitsven

2. Thompson & Waters

۳. «نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَلَدِهِ حِبًّا لَهُ عِبَادَةً»

۴. «قَبِلُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ فِي كُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ خَمْسُمِائَةٍ عَامٌ»

۵. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْحَمَ الرَّجُلَ لِسِدَّةٍ حَبِيبٍ لَوْلَدِهِ»

۶. «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ»

۷. «حَقُّ الصَّبِيِّ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسَّرُّ عَلَيْهِ وَالرَّقْءُ بِهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ»

8. Robbins and Judge

و خلاقیت کودک و سلامت جسمی او دارد. مطالعات نشان می‌دهد والدین و به‌ویژه مادرانی که در تعامل با کودک خویش احساس لذت ندارند، تظاهرات رفتاریشان فاقد احساسات مادرانه و تهی از تمایلات عاطفی و تهی از میل به مراقبت است، تأثیر منفی در شخصیت و روان کودک دارد. این فرایند نه تنها به کودکان آرامش نمی‌دهد، بلکه ممکن است باعث افسردگی مادران نیز بشود (بروکنگتون^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). توجه به یک تجربه یا دوری از آن می‌تواند بر واکنش‌های عاطفی نوزادان و کودکان تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال، کودکانی که می‌توانند حواس خود را از یک برخورد استرس‌زا منحرف کنند، سطح اضطراب کمتری در طول زمان بروز می‌دهند. همچنین با بزرگ‌تر شدن کودکان، راهبردهای شناختی برای آنها ایجاد می‌شود و می‌توانند احساسات خود را کنترل کنند و در تعدیل آنها و در کنترل برانگیختگی عاطفی، مهارت بیشتری پیدا کنند (نوک^۲ و دیگران، ۲۰۲۰). در مطالعات جدید روشن شده که کودکان در مواجهه با تجربه استرس اولیه زندگی، از سرکوب و جدایی استفاده می‌کنند و تجارب اولیه کودک و کیفیت روابط اطرافیان (بدرفتاری، خوش رفتاری، تعامل محبت‌آمیز، عشق به کودک، ساعات حضور در کنار کودک، توجه به نیازهای زیستی و روان شناختی کودک و...) و مراقبین کودک، نقش اساسی در رشد و تحول بهنجار عواطف و شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکان دارد (سانتراک، ۲۰۲۲، ص ۱۱۹).

با تتبعی که در پژوهش‌های مختلف صورت گرفت، بحث جامعی در رابطه با پژوهش پیش رو انجام نگرفته است؛ اگرچه پناهی (۱۳۹۸)، مون و بای (۲۰۲۰) و کونوک و همکاران (۲۰۲۰)، به عوامل دلبستگی ایمن و عناصر تأثیرگذار در آن پرداخته‌اند، اما با نگرش اسلامی به این موضوع پرداخته نشده است. در پژوهش پیش رو که از تحقیقات نظری و کاربردی است و از روش توصیفی - تحلیلی بهره می‌گیرد، تلاش شده به تبیین اهمیت شکل‌گیری دلبستگی ایمن در گستره تحول کودک و نقش ارتباط والد - فرزندی مبتنی بر عواطف مثبت در تحول بهنجار دلبستگی ایمن پرداخته شود.

روش پژوهش

بر اساس تقسیم‌بندی تحقیقات علمی، پژوهش حاضر در ردیف تحقیقات نظری و کاربردی قرار می‌گیرد؛ همچنین از روش توصیفی - تحلیلی نیز بهره گرفته می‌شود؛ یعنی پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی مباحث و توصیف آنها، به تحلیل و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از هرکدام پرداخته می‌شود. در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده متغیر یا مطلب

1. Brockington

2. Nook

چگونه است. به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی می‌پردازد. تحقیقات نظری نیز تحقیقاتی هستند که در آنها اطلاعات و مواد اولیه تحقیق در روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود و سپس با روش‌های مختلف استدلال، مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته و نتیجه‌گیری می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱). در پژوهش پیش رو تلاش شده تا به اهمیت دلبستگی ایمن و نقش روابط عاطفی والدین در شکل‌گیری آن و همچنین به تبیین آموزه‌های اسلامی و روان‌شناختی معطوف به جایگاه عواطف در تحول فرزندان اشاره شود و مورد تحلیل قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش

آموزه‌های توصیفی و تجویزی اسلام در فرایند والدگری بسیار گسترده و متقن است. والدگری اسلامی، به دلیل ابتدا بر گزاره‌های وحیانی، تغذیه از معارف ناب و به دلیل مصونیت حداکثری از آزمایش و خطاهای متعارف در علوم تجربی، از اتقان، جامعیت (توجه به تمام ساحت‌های تحول فرزندان)، واقع‌بینی، هم‌ترازی با ظرفیت‌ها و استعدادهای آحاد انسانی برخوردار بوده و به همه ساحت‌ها و به تمام گستره تحول پرداخته است. در آموزه‌های اسلامی افزون بر تأکید فراوان به ایفای نقش والدگرانه به نحو شایسته و در گستره تحول کودک، به اقتضائات و بایدهای دوره‌های والدگری نیز پرداخته است^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۶). والدگری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، سبکی مسئولانه و مهرورزانه بوده و والدین را ملزم به پرورش فرزندان در راستای جهان‌بینی توحیدی و اهداف خلقت انسان و تحقق سعادت و خوشبختی نموده است. در سبک والدگری مسئولانه و مهرورزانه، نهایت تلاش والدین نیل به سعادت دنیوی و اخروی بوده و جوهره والدگری اسلامی، اخلاق، محبت، مسئولیت، انسانیت، خداآوری و تلاش در راستای تقرب به خالق سبحان است. جلوه‌های مهم والدگری اسلامی معطوف به دوره کودکی بوده و بر ساحت‌هایی از قبیل تأمین نیازهای کودک، تأمین نیازهای عاطفی و روان‌شناختی و حضور واقعی و صمیمانه در کنار کودک تأکید شده است. در چشم‌انداز اسلامی، والدگری یکی از نقش‌های اساسی والدین قلمداد شده است و مسئولیت دقیق و خطیری معطوف به والدین شده است^۲ (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲). والدگری والدین نسبت به فرزندان از موضوعاتی است که در گزاره‌های دینی به روشنی به آن تصریح شده است. در تعالیم اسلامی مصونیت‌بخشی از ابتلا به ناهنجاری‌های روانی، اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نسل‌های بعدی آنان، با عملکرد

۱. «أَوَّلُ سَبْعِ سَنِينَ وَعَبْدُ سَبْعِ سَنِينَ فَإِنْ رَضِيَ أَخْلَاقُهُ لِإِحْدَى وَعَشْرِينَ وَلَا فَاضْرِبْ عَلَى جَنْبِهِ فَقَدْ أَعْذَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى»
 ۲. «أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَأَنْتَ مُسْتَوِلٌ عَمَّا وَلِيَتْهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالْأَدْلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُعَوْنَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ»

آموزشی و نقش والدگرائه والدین مرتبط دانسته شده است^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۷۶). انتظار اساسی در فرزندپروری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، نهایت تلاش در راستای پرورش فرزندان شایسته و در تراز افراد شایسته و بهنجار است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۸). در گزاره‌های اسلامی از والدین انتظار است که نهایت تلاش خود را در والدگری مبذول دارند و فرزندی پرورش دهند که برای جامعه و خانواده سرمایه و منزلت اجتماعی باشد^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۳).

در گزاره‌های دینی تلاش شده با مد نظر قرار دادن مشوق‌های مختلف^۴ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۶)، انگیزش والدین را نسبت به ایفای نقش والدگرائه برانگیزانند و آنان را در ایفای نقش والدگرائه مصمم کنند. در تعالیم اسلامی از کوتاهی و بی‌مسئولیتی والدین نسبت به ایفای نقش والدگرائه مذمت شدید شده و به این نحو والدین را تشویق و وادار به ایفای نقش والدگرائه خویش نموده‌اند. از پیامبر اسلام ﷺ نقل است که فرمود:

هرکدام از شما به‌منزلهٔ شبانی هستید و همهٔ شما نسبت به رعیت خود مورد بازخواست قرار می‌گیرید؛ بنابراین فرمانروای مردم از رعیت خود بازخواست می‌شود، و مرد نسبت به خانواده‌اش سرپرست است و مسئول، و زن سرپرست اهل خانهٔ شوهر و فرزندان و مسئول آنهاست» (بخاری، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۸۶؛ بیهقی، ج ۹، ص ۴۰۹).

ژرف‌اندیشی و دقت در آیات و روایات فوق الذکر، نشان می‌دهد که در آموزه‌های اسلامی از یک‌سو از والدین انتظار جدی وجود دارد که در قبال فرزندان و تربیت آنان احساس مسئولیت کنند و از سوی دیگر به‌گونه‌های مختلف والدین را ترغیب بر مبادرت بر فرزندپروری کرده است؛ به‌گونه‌ای که حتی در برخی از این روایات، کوتاهی در امر تربیت را مذمت شدید نموده است. یکی از نقش‌ها و وظایف اصلی والدین در رابطه با فرزندپروری، ارتباط والد - فرزندی مبتنی بر عواطف مثبت است. تأکید بر مهرورزی و محبت به کودکان از جلوه‌های مهم در والدگری اسلامی است که نقش سازنده و مهمی در شکل‌گیری ساحت‌های مختلف شخصیت کودک و به‌ویژه در شکل‌گیری دلبستگی ایمن دارد. در سایهٔ محبت است که فرزندان به والدین اعتماد می‌کنند و حرف‌های آنها را می‌پذیرند و در کنار آنان احساس امنیت روانی می‌کنند. حضرت علیؑ در این باره می‌فرماید: «دل‌های مردمان وحشی است، هرکس به آنها الفت جوید به او روی

۱. «إِنَّ اللَّهَ يُفْلِحُ بِفَلَاحِ الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ وَلَدَهُ وَوَلَدَ وَلَدِهِ»

۲. «رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَى بَرِّهِمَا»

۳. «فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ بِحَسَنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَدِّ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ بِحَسَنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ»

۴. «لَا يُوَدَّبُ أَحَدُكُمْ وَلَدًا خَيْرَ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِنُصْفِ صَاعٍ كُلِّ يَوْمٍ»

آوردند»^۱ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۷). هرکسی به چیزی علاقه داشته باشد با او همسان سازی می کند و او را الگو قرار می دهد. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «هرکس به هر چیزی علاقه مند باشد، به تکرار آن حریص می شود (انگیزش دارد)»^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۵). در گزاره های دینی به منظور تحقق بخشی والدگری شایسته و کارآمد، به ارتباط والد - فرزندی عاطفی و محبت آمیز^۳ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸) و بر ابراز محبت کلامی به فرزندان سفارش شده است^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۸۲). پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: «کودکان را دوست بدارید و به آنان ترجم کنید»^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۹). در آموزه های اسلامی با قرار دادن مشوق های مختلف، والدین را ترغیب به توجه عاطفی و مهرورزانه به کودکان نموده اند. از چشم انداز گزاره های دینی محبت به فرزندان پاداش عظیم در پی دارد^۶ (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۹). ابراز محبت به فرزندان را می توان در قالب بوسیدن، بازی کردن با آنان، هدیه دادن و در رعایت عدالت بین فرزندان ابراز نمود. تعامل صمیمانه و بی قید و شرط از توصیه های اسلامی در تعامل با فرزندان است که باعث افزایش دلداری می شود^۷ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷). گشاده رویی^۸ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۶۷)، لبخند (حر عاملی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۵۶۹)، احترام گذاشتن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۳۳۹)، سلام کردن (هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۰۸) و احوال پرسی گرم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۷۲) از مصادیق محبت بوده و باعث ایجاد صمیمیت می شود. در سایه محبت و مهرورزی به فرزندان، می توان اعتماد آنان را به خود جلب نمود و در آنان تأثیر گذاشت. کاهش صمیمیت در روابط والد - فرزندی، باعث از بین رفتن اعتماد و همکاری می گردد. سطح پایین صمیمیت در روابط والد - فرزندی، نشانگر دلبستگی ناایمن، عدم پاسخگویی عاطفی، عدم اعتماد، ارتباط حداقلی و مستعد بودن برای اضطراب است (جانسون، ۲۰۰۴).

۱. «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحْشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ»

۲. «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَهِجَ بِذِكْرِهِ»

۳. «قَالَ مُوسَى عليه السلام: يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ قَالَ حُبُّ الْأَطْفَالِ فَإِنِّي فَطَرْتُهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي فَإِنْ أَمْتَهُمْ أَدَخَلْتُهُمْ جَنَّتِي بِرَحْمَتِي. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَيْسَ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرًا وَيُوقِرْ كَبِيرًا وَيَعْرِفْ حَقًّا»

۴. «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمِهِ فَإِنَّهُ أَصْلَحُ لِدَاتِ الْبَيْنِ»

۵. «أَحْبُوا الصِّبْيَانَ وَأَرْحَمُوهُمْ»

۶. «قِيلُوا أَوْلَادُكُمْ فَإِنْ لَكُمْ قَبْلَهُ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ خَمْسُمِائَةِ عَامٍ. قَبْلَهُ الْوَلَدُ رَحْمَةً وَقَبْلَهُ الْمَرْأَةُ شَهْوَةً وَقَبْلَهُ الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ وَقَبْلَهُ الرَّجُلُ أَخَاهُ دِينَ»؛ «بِرُّ الرَّجُلِ بِوَلَدِهِ بَرٌّ بِوَالِدَيْهِ. مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَبَّ لَهُ»

۷. «أَبْدِ الْمَوَدَّةَ لِمَنْ وَاذَكَ فَإِنَّهَا أَثْبَتُ»

۸. «البشاشة حباله المودة»

در دانش روان‌شناسی، بر تأمین نیازهای عاطفی - روانی کودکان از طریق والدین تأکید فراوان شده و تأمین این نیاز را از عناصر تحول بهنجار در کودکان تلقی کرده‌اند (سانتراک، ۲۰۲۲). کیفیت و کمیت تعاملات اولیهٔ مربیان، مراقبان و والدین، تأثیر عمده‌ای بر تحول شناختی، عاطفی و اجتماعی کودک و در شکل‌گیری شخصیت و به‌ویژه در شکل‌گیری دلبستگی ایمن دارد. مهم‌ترین عنصر در شکل‌گیری دلبستگی ایمن، محبت و اظهار علاقه به کودک و در دسترس بودن است. دلبستگی^۱، یک پیوند عاطفی نزدیک بین دو نفر است که معمولاً بین فرزند و مادر است. به عبارت دیگر، دلبستگی یک رابطهٔ هیجانی - عاطفی نزدیک بین دو فرد است که مستلزم تبادل لذت، مراقبت و آرامش است (سانتراک، ۲۰۲۲، ص ۱۲۸-۱۳۱). بالبی می‌گوید این دلبستگی و نیاز عاطفی به‌طور معمول متوجه مادر است و اگر چنانچه مادر، حضور لازم و ضروری در کنار کودک نداشته باشد و یا اینکه حضور فیزیکی داشته باشد و به نیازهای کودک توجه نکند، باعث ناایمنی روانی، ترس، افسردگی و عدم اطمینان می‌گردد. به عبارت دیگر، کودکان به‌طور طبیعی نیاز دارند تا مادرشان نیازهای عاطفی، روانی، جسمانی و... آنها را برآورده کند و در هر لحظه‌ای که نیاز داشته باشند، در کنارشان باشد و در سایهٔ این ارتباط مبتنی بر عواطف و تأمین نیاز، به آرامش و اطمینان روانی برسند. اگر این نیاز به‌طور صحیح ارضا نشود، آسیب‌های مختلف متوجه کودکان در دورهٔ کودکی و در بزرگسالی خواهد شد و ممکن است بدبین، افسرده و بی‌عاطفه باشند (رایس، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵-۲۰۶). مطالعهٔ گسترهٔ تحولی کودکان نشان می‌دهد که ارتباط والد - فرزندی بهنجار و مبتنی بر تأمین نیاز عاطفی - زیستی کودکان، باعث سازگاری عاطفی - اجتماعی کودک و همچنین رشد زبان و سایر توانایی‌های شناختی او می‌شود (بورنشتاین، ۲۰۰۳^۲). کیفیت تعامل عاطفی، زیستی و امنیتی اطرافیان کودکان، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری دلبستگی دارد. نوزادان دارای دلبستگی ایمن مراقبت‌کنندگانی دارند که نسبت به نیازها و تقاضای کودکان حساس بوده و دائماً در دسترس هستند تا نیازهای نوزادان خود را پاسخ دهند. اگر والدین با ساحت زیستی و عاطفی و به‌ویژه با ساحت عاطفی فرزندان کنشی بهنجار داشته باشند و ارتباطشان با آنان وسیع و گسترده باشد، باعث تأثیرگذاری و رشد عاطفی آنان خواهند بود. گرچه نیاز به محبت همگانی است، اما نیاز به محبت در کودک به علت ویژگی‌های روان‌شناختی خاص این دوره، دوچندان است. پاسخگویی صحیح و بهنجار به این نیاز، اساس و پایهٔ تربیت او را تشکیل می‌دهد؛ زیرا تأمین این نیاز در کودک، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی می‌شود. عدم تأمین نیازهای عاطفی فرزندان پیامدهای ناگواری را در پی دارد و

-
1. attachment
 2. Bornstein

ممکن است باعث شکل‌گیری دلبستگی ناایمن^۱ گردد. دلبستگی ناایمن، شکلی از ارتباط آلوده به ترس است؛ ترس از دست دادن و ترس از صمیمیت که محققان شکل‌گیری آن را به کودکی نسبت می‌دهند. ارتباط عاطفی والدین و تأمین نیازهای زیستی - روان‌شناختی کودک، مهم‌ترین عنصر در فرایند شکل‌گیری دلبستگی ایمن است. این مادران، ارتباط جسمی و عاطفی واقعی با نوزاد دارند و در هر شرایطی او را می‌پذیرند. این مادران از پرخاشگری کمتری برخوردارند و اظهار علاقه و محبت بی‌قیدوشرطی به فرزندان دارند. ایمنی روانی کودکان را با در آغوش گرفتن و در کنار خویش خواباندن، تأمین می‌کنند و در شرایطی که نوزاد به آنان نیاز دارد در کنارشان هستند. از سینه خود آنان را تغذیه می‌کنند و اگر امکان شیردهی نداشتند نوزاد را بغل کرده و به او بستنک و شیرخشک می‌دهند (سانتراک، ۲۰۱۱، ص ۱۹۳-۱۹۵). مادران و مراقبت‌کنندگان نوزادان ناایمن، تمایل دارند که در دسترس نوزاد نباشند و آنها را رد کنند، به علایم و نیازهای عاطفی کودک پاسخ نمی‌دهند و ارتباط جسمی محدودی با نوزاد دارند، ارتباط خشن و عصبی با کودک دارند، رفتار هیجانی مثبت و عاطفی کمتری دارند و نوزاد را در آغوش نمی‌گیرند، از شیر خود نسبت به تغذیه کودک دریغ دارند، جایگزین مناسب برای کودک (در موقع غیبت) تعیین نمی‌کنند، و به امنیت روانی و تنهایی کودک اهمیت نمی‌دهند (لیونز - روس و جکوبویتز،^۲ ۲۰۰۸). تجارب میدانی نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری دلبستگی ایمن، تأمین نیازهای عاطفی و روان‌شناختی و زیستی کودک از ناحیه والدین و یا مراقبت‌کنندگان شایسته است (میتسون و دیگران، ۲۰۲۱؛ نوک^۳ و دیگران، ۲۰۲۰). ارتباط عاطفی و توانایی برقراری ارتباط مناسب با نوزادان و توجه به نیازهای مختلف آنان، باعث تعامل‌های هماهنگ نوزاد با مراقبت‌کنندگان خود و آغاز پیوند هیجانی میان آنها می‌شود (سانتراک، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷). هم‌زمانی پاسخ والدین و یا مراقبت‌کنندگان با ابراز هیجان‌های نوزاد، باعث ایجاد امنیت در نوزادان می‌گردد. زمانی که همه چیز به‌خوبی پیش می‌رود (حساس و پاسخگو بودن والدین)، باعث رشد عاطفی نوزادان می‌شود و تحولات عاطفی را در نوزادان تسهیل می‌کند. یک مطالعه نشان داد که حساسیت مادر به حالات عاطفی کودک (گریه، شادی، غم و...) با کاهش ترس کودک ارتباط دارد. تعداد فزاینده‌ای از شواهد نشان می‌دهد که احساس در دسترس بودن والدین، یک عامل تعیین‌کننده کلیدی برای تعاملات مثبت والد - کودک است. بر اساس نظریه دلبستگی^۴

1. insecure attachment

2. Lyons-Ruth & Jacobvitz

3. Nook

4. Attachment

کیفیت تبادل عاطفی بین والدین و فرزندان و با تمرکز بر دسترسی متقابل آنها و توانایی خواندن و پاسخ مناسب به ارتباطات یکدیگر، از عوامل تعیین کننده در شکل گیری دلبستگی ایمن در فرزندان است. شواهد تجربی نشان داده است که توسعه مشکلات و آسیب های روانی کودکان، به شدت با کیفیت تعاملات والدین - کودک مرتبط است. تأمین محیط حمایتی برای کودک از نیازهای اساسی او در دوره خردسالی است که می تواند به واسطه شیردهی به نحو شایسته تأمین گردد (سانتراک، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱).

در مطالعات جدید روشن شده که تجارب کودکان، روابط فرهنگی و کیفیت و کمیت (بدرفتاری، خوش رفتاری، تعامل محبت آمیز، عشق به کودک، ساعات حضور در کنار کودک، توجه به نیازهای زیستی و روان شناختی کودک و...) مراقبین کودک، نقش اساسی در رشد و تحول بهنجار عواطف و شکل گیری دلبستگی ایمن^۱ در کودکان دارد (سانتراک، ۲۰۲۲، ص ۱۱۹). ارتباط نزدیک مادر و کودک باعث تشکیل و تحکیم پیوند مادر - نوزاد می شود و نیاز کودک به ارتباطی عاطفی و گرم را برآورده می سازد. مادرانی که فرزند خود را با شیشه شیر می دهند، رضایت عاطفی و روان شناختی مادرانی را که فرزند خود را با سینه شیر می دهند، به دست نمی آورند. درصد زیادی از مادران بر این عقیده هستند که با سینه شیر دادن، از نظر لذت، تجربه خوشایندی و رابطه عاطفی بسیار بالا است. برخی دیگر معتقدند که تماس نزدیک با مادر، به هنگام تغذیه از سینه او، برای کودک احساس امنیت و خوشحالی به وجود می آورد و شخصیت او را به شیوه مناسب و استوار رشد می دهد. شیر دادن به کودک، بهترین زمینه برای شکل گیری دلبستگی ایمن به مادر است. به اعتقاد روان شناسان، دلبستگی به مادر از دو یا سه ماهگی شروع می شود، ولی دلبستگی واقعی در طول ۷ تا ۲۴ ماهگی اتفاق می افتد و کودک به صورت عمیق به مادرش دلبسته شده و ارتباط عاطفی قوی با او پیدا می کند (وَنَدِرِ زَنِن، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳). وقتی روابط والد - فرزندی مبتنی بر صمیمیت و محبت و همدلی باشد، می تواند آثار پرورشی، روان شناختی و تربیتی مختلفی در پی داشته باشد. مطالعات نشان می دهد که اگر سرمایه گذاری عاطفی لازم در دوره کودکی از ناحیه والدین صورت نگیرد، ممکن است مشکلات جدی در فرایند شکل گیری شخصیت کودک و فرایندهای روانی او ایجاد بشود. تحولات عاطفی - روانی کودک، بر توسعه، تنظیم و تحول عواطف و هیجان کودکان در بزرگسالی تأثیرگذار است (سانتراک، ۲۰۲۲، ص ۱۱۸-۱۱۹). شکل گیری دلبستگی ایمن، نقش اساسی در تحولات بهنجار کودکان در بزرگسالی داشته و باعث مصونیت بخشی از آسیب های مختلف می شود. دلبستگی ایمن همانند یک پایگاه امن روانی و یکی از ابعاد اصلی سلامت روان برای هر فرد محسوب می گردد که می تواند زمینه ساز حرکت فرد به سمت

استقلال و رشد تمام ابعاد شخصیتی باشد. مطابق تحقیقات روان‌شناسی همچون وُلَف و اسپیتز، در صورتی که کودک به‌طور مستمر عشق و علاقه مادر را دریافت نکند، حتی واکنش‌های بسیار طبیعی عاطفی نیز به‌موقع بروز نمی‌کند. تحقیقات مارگارت ریبِل نیز نشان می‌دهد که واکنش کودکان نسبت به توجه ناکافی مادر، به‌صورت پدیدگی رنگ و از دست دادن شادابی طبیعی و... ظاهر می‌شود. با توجه به این تحقیقات، کودک باید در یک دوره طولانی، محبت مادرانه کافی و اثبات را تجربه کند. تظاهر به رفتار مادرانه کافی نیست، بلکه کودک نیاز به دریافت محبت واقعی و عمیق مادر یا جانشین مادر دارد تا بتواند مراحل رشد را به‌طور طبیعی طی کند (پناهی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۶). اگر مادر یا جایگزین مادر، به‌گونه‌ای واقعی در کنار نوزاد باشد و نیازهای عاطفی، زیستی و امنیتی نوزاد را فراهم نماید و فضای روان‌شناختی مطلوبی برای او آماد سازد، دلبستگی ایمن^۱ در کودکان شکل خواهد گرفت و الا ممکن است دلبستگی ناایمن (نوزادان دوری‌گزین ناایمن^۲ و نوزادان مقاوم ناایمن^۳) شکل بگیرد که تبعات منفی زیادی در فرایند زندگی کودکان خواهد داشت (سانتراک، ۲۰۱۱، ص ۱۹۳). دلبستگی ایمن، کودک را به داشتن یک شخصیت منعطف هدایت می‌نماید. وقتی انسان به دیگران اعتماد داشته و از پذیرفته شدن از ناحیه آنان مطمئن باشد، به کاوش در محیط اشتیاق بیشتری نشان می‌دهد، عواطف مثبت‌تری می‌یابد، از عزت‌نفس بالاتری بهره‌مند می‌شود، در حل مسئله پافشاری می‌نماید، ابتکار و پشتکار پیدا می‌کند و به‌عبارت دیگر، از سازگاری اجتماعی و عاطفی بیشتری بهره‌مند می‌شود (سانتراک، ۲۰۱۱، ص ۱۹۱-۱۹۵). مراقبان و والدینی که از روابط کلامی فراوان بهره می‌گیرند و تعاملی صمیمی و محبت‌آمیز با کودکان دارند، فرزندان‌شان از مهارت‌ها و رفتارهای اجتماعی بهنجار، مورد پذیرش، تهی از پرخاشگری و مسالمت‌آمیز برخوردارند. خانواده‌هایی که دارای تعارض‌های درونی و اختلافات والدینی و دارای فضای عاطفی منفی (خشیم، پرخاشگری، توهین و...) هستند، فرزندان‌شان احساس خودکم‌بینی و انزوای اجتماعی و انگیزه پیشرفت حداقلی دارند (روپنرین^۵ و همکاران، ۲۰۰۶). کودکانی که به‌طور ضعیف دلبسته می‌شوند، ممکن است در شروع و تداوم تعاملات اجتماعی موفقیت‌آمیز، مشکل داشته و دچار گوشه‌گیری اجتماعی و دوری از همسالان شوند. بنابراین دلبستگی ضعیف فرصت‌هایی را که کودکان به تمرین مهارت‌های اجتماعی مؤثر می‌پردازند، محدود می‌کند و طبیعی است که این فرآیند

-
1. Securely attached babies
 2. Insecure avoidant babies
 3. Insecure resistant babies
 4. John Santrock
 5. Roopnarine

در افزایش بازداري از اجتماع و ناآرامی در موقعیت‌های اجتماعی نقش ایفا می‌کند (بروماریو و کرنز،^۱ ۲۰۰۸). شکل‌گیری دلبستگی ایمن، باعث احساس امنیت، توسعه خود، اجتماعی شدن، عدم کم‌رویی در ارتباطات اجتماعی، ارتباط منطقی به اطرافیان، رشد ذهنی سریع و... می‌شود (رایس، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵). علاوه بر این، اگر چنانچه دلبستگی کودک به‌طور طبیعی ارضا نشود، استقلال و ظرفیت‌های سازشی و اجتماعی او نیز با مشکل مواجه می‌گردد (منصور و دادستان، ۱۳۷۴، ص ۱۵۰-۱۵۱). در این زمینه می‌توان به نتایج پژوهش‌هایی مانند اروزکان^۲ (۲۰۰۹) اشاره کرد. ایشان در مطالعات خود به این نتیجه رسید که سطح اضطراب اجتماعی افرادی که دلبستگی ایمن داشته‌اند، کمتر از افرادی است که سبک دلبستگی ناایمن دارند. همچنین نتایج تحقیق بروماریو و کرنز (۲۰۰۹) نیز، حاکی از آن است که دلبستگی ایمن و دلبستگی دوسوگرا به مادر، به ترتیب با کاهش و افزایش اضطراب اجتماعی رابطه معناداری دارد. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که افراد دارای دلبستگی ایمن به مادر، شایستگی‌های اجتماعی بیشتری داشته و ارتباط آنها با همسالان، کیفیت بالاتری دارد. اینسورث بر این باور است که دلبستگی ایمن در نخستین سال زندگی برای رشد روان‌شناختی بعدی زندگی، بنیانی مهم فراهم می‌کند. نوزادانی که دلبستگی ایمن دارند، آزادانه از مراقبت‌کننده و مادر دور می‌شوند، اما از طریق نگاه‌های اجمالی دوره‌ای از محل حضور او آگاه هستند. نوزادان دارای دلبستگی ایمن به بغل شدن و برداشته شدن توسط دیگران پاسخ مثبت می‌دهند و وقتی دوباره بر زمین گذاشته می‌شوند آزادانه دور می‌شوند تا بازی کنند. برعکس، نوزاد دارای دلبستگی ناایمن از مراقبت‌کننده اجتناب می‌کند یا نسبت به او دو دل است، از غریبه‌ها می‌ترسد و با کمترین جدایی از مراقب خود نگران می‌شود (به نقل از: ساتتراک، ۲۰۱۱، ص ۱۹۴). نوزادانی که به‌طور ایمن دلبسته و متصل شده‌اند، از مراقب به‌عنوان یک پایگاه امن استفاده می‌کنند، و هنگامی که در حضور مراقب خود هستند، محیط‌زیست را کشف می‌کنند. نوزادانی که به‌طور ایمن متصل شده‌اند، اتاق را کاوش می‌کنند و اسباب‌بازی‌هایی که قبلاً در آن قرار داده شده است را بررسی می‌کنند. هنگامی که مراقب می‌رود، نوزادانی که به‌طور ایمن متصل شده‌اند ممکن است اعتراض ملایم و هنگامی که مراقب برمی‌گردد، این نوزادان با مراقب خویش تعامل مثبت برقرار می‌کنند. با مراقب خویش بازی می‌کنند و از دامن او بالا می‌روند و در اتاق خویش بازی را آغاز می‌کنند. به مراقب خویش لبخند می‌زنند و تعامل احساسی دارند. نوزادان اجتنابی و ناایمن، با دوری از مراقب، ناامنی نشان می‌دهند. این نوزادان در تعامل اندکی و عجیب با مراقب خویش هستند، وقتی او

1. Brumariu, L. E. & kerns

2. Erozkan

اتاق را ترک می‌کند ناراحت نمی‌شوند، اما وقتی مراقبشان (که معمولاً مادر است) بازمی‌گردد، با او تعامل ایجاد نمی‌کنند و گاهی به او پشت می‌کنند، از او شیر نمی‌خورند و اظهار ناآرامی دارند و گاهی به مراقب خویش لگد می‌زنند. این نوزادان اغلب با نگرانی به مراقب می‌چسبند، هنگامی که مراقب می‌رود، اتاق بازی را کاوش نمی‌کنند، اغلب با صدای بلند گریه می‌کنند و سپس اگر او سعی کرد پس از بازگشت به آنها دلداری دهد، آنها را کنار می‌زنند. نوزادان بی‌نظم و نایمنی هستند. گیج و ترسناک به نظر می‌رسند و رفتارهای اجتنابی زیادی از خود نشان می‌دهند و ترسو هستند (سانتراک، ۲۰۲۲، ص ۱۳۲). در یک مطالعه طولی گسترده که توسط آلن سروفه^۱ و همکارانش انجام گردید، دلبستگی ابتدایی (۱۲ ماهگی تا ۱۸ ماهگی) با سلامت هیجانی مثبت،^۲ عزت نفس بالا،^۳ اعتماد به نفس^۴ و تعامل اجتماعی کارآمد^۵ با همسالان، معلمان و با دوستان دوره جوانی در ارتباط بود. مطالعه دیگری کشف کرد نوزادانی که در ۱۵ ماهگی دارای دلبستگی ایمن بودند، در چهار سالگی از نظر شناختی و اجتماعی - هیجانی ماهرتر از همسالان خود بودند که در ۱۵ ماهگی دلبستگی نایمن داشتند (به نقل از: اکونر و ماککارتنی،^۶ ۲۰۰۷). مطالعات نشان می‌دهد که افراد ایمن نسبت به افراد نایمن، رفتارهای منفی سازش‌نا یافتگی، مشکلات عاطفی و پرخاشگری کمتری دارند. دلبستگی به‌عنوان تکیه گاه امن باعث می‌شود تا کودک با جرئت کامل به جست‌وجو و اکتشاف محیط بپردازد و مجهولات را حل کند (بروماریو و کرنز،^۷ ۲۰۰۸). تحقیقات نشان داده است که دلبستگی ایمن باعث کاهش خشونت و کاهش احساس تنهایی در بزرگسالی، کاهش اضطراب و افسردگی و عدم تمایل به سیگار و مشروبات الکلی (میکولانسر و شاور،^۸ ۲۰۱۹) می‌شود. همدلی به معنای پاسخ عاطفی جانشینی فرد به واکنش‌های عاطفی دیگران و به عبارت دیگر خود را به لحاظ عاطفی در موقعیت دیگران تصور کردن، با برخورداری از دلبستگی ایمن رابطه قوی و معناداری دارد. نتایج پژوهش خدابخش (۱۳۹۱، ص ۴۰-۴۹) نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین دلبستگی ایمن و همدلی وجود دارد. افرادی که از دلبستگی ایمن

-
1. Alan Sroufe
 2. positive emotional health
 3. high selfesteem
 4. self-confidenc.
 5. socially competent interaction
 6. O'Connor & McCartney
 7. Brumariu & Kerns
 8. Mikulincer, M., Shaver, P. R.

برخورد دارند، رفتار همدلانه بیشتری نسبت به افراد دیگر از خود نشان می‌دهند. حس مراقبت و فداکاری در اینها بیشتر است. افرادی که دارای دلبستگی ایمن هستند، حس خوشبینانه و مثبتی از دیگران دارند و دیگران را ارزشمند تلقی می‌کنند و لذا رفتاری همدلانه نسبت به آنان دارند.

نتایج پژوهش‌های هو، چونگ و چونگ^۱ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که برخورداری از سبک دلبستگی ایمن، رابطه قوی با خوش‌بینی، ارتباط قوی با همنوعان، رشد عاطفی و رضایتمندی دارد. افرادی که دلبستگی ایمن را تجربه کرده‌اند، ارزیابی مثبتی از دیگران دارند و این ارزیابی مثبت از دیگران باعث رضایتمندی بیشتر از زندگی و اطرافیان می‌گردد. افراد خوش‌بین، دارای سلامت روان و دارای رضایتمندی از زندگی، از دلبستگی ایمن برخوردارند و رضایت بیشتری از زندگی و محیط اطراف خودشان دارند. این افراد توانایی برخورد صحیح با موقعیت‌های استرس‌زا را دارند و کمتر دچار افسردگی و اضطراب می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن اولیه (۱۲ و ۱۸ ماهگی) با سلامت عاطفی مثبت، عزت‌نفس بالا، اعتماد به نفس، تعامل اجتماعی شایسته با همسالان، معلمان، مشاوران و با شریک زندگی در دوران نوجوانی و جوانی همراه است (گیرم^۲ و دیگران، ۲۰۲۰). مطالعه دیگری نشان داد که دلبستگی ناایمن، باعث چاقی افراطی و تجربه اضطراب گسترده در افراد می‌شود (هپورث^۳ و دیگران، ۲۰۲).

در پژوهش‌های میدانی که درباره دلبستگی فرزندان به پدر و مادر و یا فقط پدر و فقط مادر انجام گردیده، روشن شد که دلبستگی ایمن به هریک از آنان نقش سازنده‌ای در شکل‌گیری رفتارهای بیرونی در بزرگسالی و در کودکی دارد. همچنین مطالعات نشان داده که شکل‌گیری دلبستگی ایمن به مادر، پیامدهای مثبت بیشتری برای فرزندان دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن به پدر، نمی‌تواند جایگزین دلبستگی ایمن به مادر بشود و نمی‌تواند استرس فرزندان را کاهش دهد (کوان^۴ و دیگران، ۲۰۱۹). محققان دریافته‌اند که شکل‌گیری دلبستگی ایمن در فرزندان در کنش‌وری‌های اجتماعی، فرهنگی و رفتاری فرزندان در بزرگسالی نقش اساسی دارند. برخورداری از ظرفیت روانی بالا، تعامل بهنجار با دیگران، خلاقیت، اعتماد به نفس، تاب‌آوری سطح بالا، عزت‌نفس و برخورداری از پشتکار، از فواید مهم شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکی و خردسالی است (سانتراک، ۲۰۲۲، ص ۱۳۳). تأمین عواطف و شکل‌گیری دلبستگی ایمن در فرزندان، احساس ارزشمندی و عزت‌نفس و اعتماد به نفس را در

1. Ho, M. Y., Cheung, F. M. & Cheung, S. F.

2. Girmé

3. Hepworth

4. Cowan

فرزندان افزایش می‌دهد. فردی که دارای اعتمادبه‌نفس است، مسئولیت رفتارها و انتخاب‌های خویش را می‌پذیرد، عزت‌نفس بالا دارد، نگرش و احساس مثبتی نسبت به خوشتن و دیگران دارد، صریح و صادقانه و تهی از دورویی است و اشتباهات خویش را پذیرفته و درصدد اصلاح آن برمی‌آید (پناهی، ۱۳۹۴، ص ۷۳-۸۴).

توجه به آموزه‌های اسلامی و روان‌شناختی در والدگری و به‌ویژه در دورهٔ کودکی نخست، بسترساز دلبستگی ایمن در کودکان شده و مصونیت‌بخشی آنان را نسبت به ناهنجارهای اخلاقی و رفتاری در بزرگسالی افزایش می‌دهد. کودکانی که با والدین خویش رفتار مهرورزانه و صمیمانه داشته‌اند و نیازهای زیستی و روان‌شناختی آنان به نحو شایسته تأمین شده باشد، احساس عزت و کرامت و امنیت روانی بیشتری دارند، انگیزه و تمایلی به رفتارهای نمایشی و ناهنجار ندارند و در سایهٔ کرامت و عزت‌نفسی که دارند، کنش‌وری‌های خویش را به نحو مطلوب مدیریت می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

با تتبع و تأمل در آموزه‌های روان‌شناختی و اسلامی مرتبط با نقش عواطف و دلبستگی ایمن در سلامت و امنیت روانی و رفتاری کودکان، می‌توان ادعا نمود که تأمین نیاز عاطفی کودکان و شکل‌گیری دلبستگی ایمن در آنان، پیامدهای مثبت و سازنده‌ای در رفتارهای درونی و بیرونی آنان در بزرگسالی دارد. در آموزه‌های اسلامی و روان‌شناسی به‌گونه‌های مختلف، بر اهمیت ارتباط عاطفی در روابط والد - فرزندی توصیه شده است. برخی از فواید تأمین نیاز عاطفی فرزندان و تحقق‌بخشی به شکل‌گیری دلبستگی ایمن در آنان عبارت‌اند از:

۱. تأمین نیازهای عاطفی کودکان، باعث تحول بهنجار در کودک شده و بسترهای کنش‌وری‌های بهنجار را فراهم می‌سازد.
۲. عدم تأمین نیازهای عاطفی کودک در خردسالی، باعث ایجاد انرژی منفی و احساس کم‌ارزشی در کودک شده و بسترهای رفتاری درونی و بیرونی ناهنجار را فراهم می‌سازد.
۳. تأمین نیاز به امنیت روانی در خردسالی، بستر مناسبی برای احساس اعتمادبه‌نفس و خودمهارگری در بزرگسالی است.
۴. یکی از مهم‌ترین نقش‌های پدر و مادر و به‌ویژه مادر، تأمین امنیت روانی و نیازهای عاطفی کودکان در خردسالی و به‌ویژه در گسترهٔ تولد تا دو سالگی است.
۵. مهم‌ترین عنصر در افزایش اضطراب، نارسا کنش‌وری، ترس‌های مزمن، استرس، تعارض اجتماعی و ناساگاری خانوادگی، دلبستگی نایمن است.

۶. اظهار عواطف غیرمشروط و گسترده و بهنجار به فرزندان در خردسالی و تأمین نیازهای زیستی و روان‌شناختی آنان، باعث تحول بهنجار در شخصیت آنان می‌شود.
۷. پاسخگویی دوستانه و محبت‌آمیز به کودکان و در کنار آنان بودن، برای کودکان ارزش حیاتی دارد و باعث تحقق دلبستگی ایمن می‌شود.
۸. اشتغال بی‌ضابطهٔ مادران و شرایط خانوادگی آشفته و سبک فرزندپروری خودکامه، از مهم‌ترین عناصر شکل‌گیری دلبستگی ناایمن است.
۹. عدم تأمین نیازهای عاطفی و روان‌شناختی در دورهٔ کودکی، باعث ذخیرهٔ انرژی روانی منفی در سطح ناهوشیار شخصیت می‌شود و پیامدهای منفی در پی دارد.
۱۰. شکل‌گیری دلبستگی ایمن در فرزندان از عناصر مهم در شکوفایی استعدادهای درونی آنان و در کارآمدی و تقویت اراده است.
۱۱. در والدگری اسلامی به همهٔ جنبهٔ تحول کودک پرداخته می‌شود و روابط والد - فرزندی مبتنی بر حفظ کرامت، عزت‌نفس و متناسب با نیازهای کودک و هم‌تراز با سطح تحولی کودک است.
۱۲. در آموزه‌های اسلامی، مهم‌ترین انتظار از والدین ایفای نقش والدگرانه به نحو شایسته است.
۱۳. از چشم‌انداز اسلامی، مهم‌ترین عامل در مصونیت‌بخشی فرزندان و در ایجاد تحول بهنجار در آنان، سبک و شیوهٔ والدگری والدین معرفی شده است.
۱۴. حفظ کرامت فرزندان، تأمین نیازهای عاطفی آنان، مهرورزی، کنار کودک بودن و توجه به تفاوت‌های شخصیتی کودکان، از جلوه‌های شاخص در والدگری اسلامی است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمهٔ آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: اسلامی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعهٔ مدرسین.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ق). عده الداعی و نجاح الساعی. بیروت: دار الکتب الإسلامی.
- بخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۶ق). صحیح البخاری. بیروت: دار الفکر.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دار الکتب الإسلامیه.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۱۹ق). السنن الکبری. بیروت: دار الفکر.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۴). جوانی فصل شکفتن. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۸). اقتضائات آموزشی و پرورشی دورهٔ کودکی از چشم‌انداز آموزه‌های اسلامی و دانش روان‌شناسی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۳(۲۵)، ۱۵۵-۱۳۵.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۸). نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پناهی، علی‌احمد (۱۴۰۲). سبک فرزندپروری با رویکرد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- پناهی، علی‌احمد و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۶). روان‌شناسی زن و مرد. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: آل‌البیت.
- خدابخش، محمدرضا (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های دلبستگی با همدلی در دانشجویان پرستاری. مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۲۵(۷۷)، ۴۹-۴۰.
- رایس، فلیپ (۱۳۸۷). رشد انسان (روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ). ترجمه مهشید فروغان. تهران: ارجمند.
- سانتراک، جان دبلیو (۱۳۹۲). روان‌شناسی رشد در گستره زندگی. ترجمه پرویز شریفی درآمدی و محمدرضا شاهی. تهران: دانژه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (للصباحی صالح). قم: هجرت.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الأخلاق. قم: شریف رضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- منصور، محمود و دادستان، پریخ (۱۳۷۴). روان‌شناسی ژنتیک ۲. تهران: رشد.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. قم: آل‌البیت.
- وندر زندن، جیمز ویلفرید (۱۳۸۶). روان‌شناسی رشد. ترجمه حمزه گنجی. تهران: ساوالان.
- هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- Asoodeh, M. H.; Daneshpour, M.; Khalili, S. h.; Lavasani, M. G. h.; Shabani, M. A. & Dadras, I. (2011). Iranian successful family functioning: Communication. *Journal of social and behavior sciences*, 30, 367-371.
- Bornstein, M. H. (2003). *Parenting and child development: Intracultural and intercultural perspectives*. Diverse Culture: Bambini Diversi; Poderico, C., Venuti, P., Marcone, R., Eds, 31-56.
- Brockington, I. F., Aucamp, H. M., & Fraser, C. (2006). Severe disorders of the mother-infant relationship: definitions and frequency. *Archives of women's mental health*, 9, 243-251.
- Brumariu, L. E. & Kerns, K. A. (2008). Mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood. *Journal of applied developmental psychology*, 29(5), 393-402.
- Chirico, I., Andrei, F., Salvatori, P., Malaguti, I. & Trombini, E. (2020). The Focal Play Therapy: An Empirical Study on the Parent-Therapist Alliance, Parent-Child Interactions and Parenting Stress in a Clinical Sample of Children and Their Parents. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(22), 8379.
- Cicchetti, D. & Handley, E. D. (2019). Child maltreatment and the development of substance use and disorder. *Neurobiology of stress*, 10, 10014.
- Cowan, P.A. & others (2019). Fathers' and mothers' attachment styles, couple conflict, parenting quality, and children's behavior problems: An intervention test of mediation. *Attachment and Human Development*, 21(5), 532-550.
- Girme, Y. U., Jones, R. E., Fleck, C., Simpson, J. A. & Overall, N. C. (2021). Infants' attachment insecurity predicts attachment-relevant emotion regulation strategies in adulthood. *Emotion*, 21(2), 260.
- Goldsmith, H.H. (2019). *Everything develops during emotional development*. In A.S. Fox & others (Eds), *The nature of emotion* (2nd ed.). New York: Oxford University Press.
- Hepworth, A. D. & others (2020). Supporting infant emotion regulation through attachment-based intervention: A randomized controlled trial. *Prevention Science*, 21, 702-713.
- Ho, M. Y., Cheung, F. M. & Cheung, S. F. (2010). The role of meaning in life and optimism in promoting well-being. *Personality and individual differences*, 48(5), 658-663.

- Johnson, S. M. (2004). *The practice of emotionally focused marital therapy: Creating connection* (2nd ed.). Creating connection (2nd ed.). New York: Brunner/Routledge.
- Kaywork, J. (2020). *An educator's guide to infant and toddler development*. New York: Routledge.
- Konok, V., Bunford, N., Miklosi, A. (2020). Associations between child mobile use and digital parenting style in Hungarian families. *J. Child. Media*, 14(1), 91-109.
- Lyons-Ruth, K. & Jacobvitz, D. (2008). *Attachment disorganization: Genetic factors, parenting contexts, and developmental transformation from infancy to adulthood*.
- Mikulincer, M. & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current opinion in psychology*, 25, 6-10.
- Mitsven, S. & others (2021). *Infant emotional development*. In J. J. Lockman & C. Tamis-LeMonda (Eds.), *Cambridge handbook of infant development*. New York: Cambridge University
- Moon, S.J., Bai, S.Y. (2020). Components of digital literacy as predictors of youth civic engagement and the role of social media news attention: the case of Korea. *J. Child. Media*, 14(4), 458-474.
- Nook, E. C., Vidal Bustamante, C. M., Cho, H. Y. & Somerville, L. H. (2020). Use of linguistic distancing and cognitive reappraisal strategies during emotion regulation in children, adolescents, and young adults. *Emotion*, 20(4), 525.
- O'Connor, E. & McCartney, K. (2007). Examining teacher-child relationships and achievement as part of an ecological model of development. *American educational research journal*, 44(2), 340-369.
- Rieffe C, Ketelaar L, Wiefferink CH.(2010). Assessing empathy in young children: Construction and validation of an Empathy Questionnaire (EmQue). *Pers Individ Dif*, 49(5), 362-367.
- Robbins, Stephe P and Judge, Timothy A. (2015). *Organizational behavior*, Manufactured in the United States of America.
- Roopnarine, J. L., Krishnakumar, A., Metindogan, A. & Evans, M. (2006). Links between parenting styles, parent-child academic interaction, parent-school interaction, and early academic skills and social behaviors in young children of English-speaking Caribbean immigrants. *Early Childhood Research Quarterly*, 21(2), 238-252.
- Santrock, John W. (2011). *Life-span development*, Published by McGraw-Hill, an imprint of The McGraw-Hill Companies, Avenue of the Americas, New York.
- Schaufeli, W. B.
- Santrock, John W.(2022) *Life-span development*, Published by McGraw-Hill, an imprint of The McGraw-Hill Companies, Avenue of the Americas, New York. Schaufeli, W. B.
- Thompson, R. A. & Waters, S. F. (2020). *Development of emotion dysregulation in developing relationships*. In T.P., Beauchaine & S.E. Crowell (Eds.), *Oxford handbook of emotion dysregulation*. New York: Oxford University Press.